



تحلیل حسین موسویان از وضعیت فعلی مذاکرات

دکتر سید حسین موسویان، عضو ارشد تیم پیشین مذاکره کننده هسته ای کشورمان می گوید: اگر مذاکرات هسته ای در روزهای آینده به نتیجه برسد، می تواند زمینه ای برای تشکیل چارچوب همکاریهای امنیتی میان ایران و قدرتهای جهانی به خصوص با آمریکا باشد.

کد خبر: ۳۱۶۴۶۸

تاریخ: ۰۱ فروردین ۱۳۹۴ - ۱۵:۳۳

دکتر سید حسین موسویان، عضو ارشد تیم پیشین مذاکره کننده هسته ای کشورمان در مقاله ای که به تازگی برای روزنامه اسپانیایی ال پائیس نوشته، به تشریح هزینه های اقتصادی آمریکا برای تحریم ایران در یک دهه اخیر و همچنین زمینه های همکاری میان دو کشور پرداخته است. در ادامه ترجمه بخش هایی از این مقاله را می خوانید:

آخرین دور مذاکرات میان ایران و ۵ قدرت جهانی (چین، فرانسه، آلمان، روسیه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا) در حال حاضر در لوزان سوئیس به منظور دستیابی به چارچوبی برای توافق سیاسی تا مهلت زمانی پایان مارس در جریان است. توافق هسته ای به شکل عجیبی، در سال ۲۰۰۵ زمانی که قدرتهای اروپایی (اعم از انگلستان، فرانسه و آلمان) با ایران در حال مذاکره بودند، وارد بن بست شده بود.

متأسفانه دولت بوش، براساس این محاسبه اشتباه که تحریمهای بیشتر، ایران را مجبور به رها کردن فعالیتهای هسته ای می کند، توافق را بلوکه کرد. سیاست آمریکا در راستای اعمال تحریم های یکجانبه و چندجانبه برای توقف برنامه هسته ای ایران به طورکامل نتیجه معکوس داشت. از زمان تصویب اولین تحریم شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۶، تعداد سانتریفیوژهای جدید از ۲۰۰ به ۲۰۰۰ عدد امروز رسید که اورانیوم های بیشتری تولید می کنند و میزان غنی سازی آنها از ۳.۵ درصد به ۲۰٪ رسیده است. امروز حجم اورانیوم های غنی شده با درصد پایین به بیش از دهها تن در انبارها می رسد. امروز رآکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک کمتر از یک سال است که فعالیت خود را آغاز کرده است.

سرانجام پس از سالها، آمریکا به این نتیجه رسید که دولت ایران به رغم تحریم، قصد ندارد برنامه غنی سازی اورانیوم را رها کند.

درک این مسئله به محرکی برای هموار کردن مسیر در راستای توافق اولیه در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ شد. با توجه به سیاستهای شکست خورده گذشته آمریکا در دور قبلی مذاکرات، جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا صراحتاً اعلام کرد: "در سالهای گذشته که سیاست آمریکا مذاکره نکردن با ایران و تأکید بر پایان برنامه هسته ای بود، نتیجه آن رشد برق آسای تعداد سانتریفیوژهای ایران بود. هر زمان که مذاکرات با ایران به بن بست برخورد می کند، برنامه هسته ای این کشور پیشرفت می کند".

شکی نیست که تحریم ها علیه ایران، ضربه سختی به اقتصاد این کشور وارد کرد، اما این مسئله در حالی است که درباره خسارات متحمل شده از سوی آمریکا برای اعمال این تحریمها چیز زیادی منعکس نمی شود. در گزارشی که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد، آمده است که اقتصاد آمریکا بین سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۱۲ بین ۱۳۴.۷ میلیارد دلار و ۱۷۵.۳ میلیارد دلار با احتساب صادرات بالقوه به ایران از دست داده است. گزارش مذکور همچنین اینگونه نتیجه گیری می کند که آمریکا سالیانه بین ۵۱.۰۴۳ تا ۶۶.۴۳۶ فرصت شغلی را به دلیل تحریم ایران از دست می دهد.

اما آنچه که باید بر آن تأکید کرد اینست که در کنار اینها ایران می توانست نقش مهمی در کاهش هزینه های نظامی آمریکا و سرمایه گذاری فوق العاده ای که برای به حاشیه راندن این کشور در منطقه صورت گرفت، داشته باشد.

همانگونه که در کتابم - "ایران و آمریکا، گذشته شکست خورده و مسیر صلح"- نیز به این مسئله اشاره کردم، ایران و آمریکا در سرنگونی طالبان در افغانستان در سال ۲۰۰۱ و صدام حسین در سال ۲۰۰۳ با یکدیگر همکاری کردند. نتیجه این همکاری، به تأسیس موفق دولتهای جدید در کابل و بغداد شد. قطع همکاری آمریکا با ایران در مدیریت بحران در این دو کشور، منجر به صرف میلیاردها دلار هزینه و کشته شدن چندین هزار نفر در دو کشور عراق و افغانستان شد؛ آنهم در حالی که وضعیت آنها هنوز بحرانی است.

در صورتی که آمریکا به همکاری خود با ایران ادامه می داد، این مسئله می توانست منجر به کاهش هزینه ها و حضور نظامی آمریکا در منطقه شده و به جای اختصاص هزینه های نجومی در بودجه آمریکا، زمینه بازسازی کشور و تأسیس ارتش و نیروهای امنیتی در این دو کشور را فراهم کند و احتمالاً این همکاری می توانست از بروز فجایعی که امروز در عراق شاهد آنیم، جلوگیری کند.

طبق تحقیقی که به تازگی از سوی دانشگاه هاروارد صورت گرفته، بحران عراق و افغانستان، برای ایالات متحده آمریکا نزدیک به ۴.۶ میلیارد دلار هزینه داشته است و از دهه ها قبل، دولتها را مجبور به اختصاص بودجه برای آن کرده است.

آمریکا نه تنها همه تلاشش را برای به حاشیه راندن ایران در این دو کشور صورت داد، بلکه ایران همواره تحت تهدید دائمی آمریکا برای حمله نظامی بوده است. آنهایی که تحولات بازار نفت بین سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ را دنبال می کردند، به یاد دارند که هر شایعه حمله احتمالی آمریکا به ایران و وقوع جنگی بزرگتر در خاورمیانه، تا چه اندازه قیمت نفت را به اوج می رساند.

و جالب است که جوزف استیگ لیتس و لیندا بیلمس، دو اقتصاددانان برجسته، نیز بر این مسئله تأکید کرده اند که جنگ عراق و ناامنی ای که متعاقب آن در منطقه گسترش یافت، دلیل اصلی افزایش قیمت نفت بود. این دو اقتصاددان حتی بر این باورند که بروز بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ نیز تا اندازه زیاد متأثر از افزایش قیمت نفت بود.

آمریکا برای به زانو درآوردن ایران در سوریه- عمق استراتژیک این کشور- خودش و متحدانش را به جنگ نیابتی با ایران دعوت کرد و زمانی که ایران مقاومت کرد، آمریکایی ها هزینه بیشتری برای سرنگونی بشار اسد

پرداختند و پس از مدتی سکوت پیشه کردند؛ در حالیکه ترکیه، عربستان سعودی و قطر همچنان از تدریجاً حمایت می کنند.

پولهای که آمریکایی ها در سوریه خرج کردند؛ هنوز دقیق و مشخص نیست. اما تنها در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۴ پرزیدنت اوباما، ۲۰۰ میلیون دلار برای حمایت از شورشیان سوری از کنگره درخواست کرد. از سویی وی ۱ میلیارد دلار برای کمک به کشورهای که از جنگ سوریه خسارت دیده بودند، از کنگره درخواست نمود. بدین ترتیب با قدرت یافتن آنها، ظهور دولت افراط گرایان در عراق میسر شد و امروز ما تنها با یک گروه تروریستی ساده روبرو نیستیم. گروههای خطرناک جهادی بدین ترتیب توانسته اند با گرفتن یک سوم از عراق در شمال و غرب، دولت و خلیفه خودشان را از ماه ژوئن سال گذشته داشته باشند.

اگر آمریکا به جای رقابت با ایران، با این کشور همکاری کرده بود، با قاطعیت می توانیم بگوئیم که سوریه و عراق امروز در چنین وضعیتی نبودند.

لذا می توان گفت همکاری ایران و آمریکا در سه زمینه ضروری به نظر می رسد:

اول، دو کشور باید سیستم اطلاعاتی موثری را برای شناسایی و دنبال کردن گروههای جهادی و ریشه های آن پیدا کنند.

دوم اینکه ایران و آمریکا می توانند برای ساختن ارتشی متعهد و موثر در عراق با هم همکاری کنند؛ نه ارتشی با ۲۵۰.۰۰۰ گروهان که در مقابل شمار محدودی از تروریستها سلاح شان را زمین بگذارند و فرار کنند.

و در نهایت اینکه با توان بالای ایران و منابع انسانی ماهر این کشور و با حمایتهای مالی آمریکا، دو کشور به ساختن زیرساختهای افغانستان، سوریه و عراق بپردازند.

تلاش برای یافتن راه حلی برای مناقشه هسته ای میان ایران و آمریکا می تواند دو کشور را در مسیر همکاری برای مقابله با نیروهای تکفیری- که امنیت هر دو کشور را تهدید می کند- قرار دهد. با وارد شدن به فاز نهایی مذاکرات هسته ای ، احتمال زیادی هست که توافق هسته ای در روزهای آینده منعقد شود و متعاقباً توافق سازنده تا اول جولای ۲۰۱۵ نهایی شود.

زمانی که مذاکرات هسته ای به نتیجه برسد، می تواند هموارکننده مسیر برای تشکیل چارچوب همکاریهای امنیتی میان ایران و قدرتهای جهانی به خصوص با آمریکا باشد، همکاری ای که می تواند زمینه حل بحران ای منطقه ای و همچنین مبارزه با داعش باشد.